

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

بیست و هشتم صفر ۱۴۴۵ مطابق با ۱۴۰۲/۶/۲۳

شهادت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

را به پیشگاه اهلبیت عصمت و طهارت به ویژه ولی عصر و حجت حق امام زمان (عج) که صاحب عزا هستند و همه دوستداران و ارادتمندان به مکتب رسالت و ولایت و همه مسلمانان و ستمدیدگان و محرومین جهان تعزیت و تسلیت عرض می‌کنم.

اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا رَسُوْلَ اللهِ السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِمَتِّكَ وَجَاهَدْتَ فِی سَبِیْلِ اللهِ وَعَبَدْتَ اللهَ حَتّٰی اَتٰیكَ الْیَقِیْنُ فَبَلَّغَ اللهُ بِكَ اَفْضَلَ شَرَفٍ مَّحَلٍّ الْمُكْرَمِیْنَ. اَللّٰهُمَّ عَلَیْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ اَیُّهَا الْمَجْتَبِیُّ اَللّٰهُمَّ السَّلَامُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صِرَاطَ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَیَانَ حُكْمِ اللهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

من چه گویم یک رگم هشیار نیست
یک دهان خواهم به پهنای فلک
وصف آن یاری که او را یار نیست
تا بگویم وصف آن رشک ملک

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: « ما بَقِيَ فِي الدُّنْيَا بَقِيَّةٌ غَيْرَ هَذَا الْقُرْآنِ فَاتَّخِذُوهُ إِمَامًا يَدُلُّكُمْ عَلَى هُدَاكُمْ وَإِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْقُرْآنِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَإِنْ لَمْ يَحْفَظْهُ وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَإِنْ كَانَ يَقْرَأَهُ - در این دنیا [از میان کتابهای آسمانی به صورت دست نخورده و سالم] جز قرآن چیزی باقی نمانده است؛ پس آن را رهبر خود قرار دهید تا شما را [به ندای فطرتتان] هدایت کند، و سزاوارترین مردم به قرآن کسی است که به آن عمل می‌کند، هر چند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین مردم از قرآن کسی است که به آن عمل نمی‌کند، هر چند آن را بخواند. » (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۹)

موضوع تدبر:

ویژگی های عمل مطابق با قرآن در سیره امامان معصوم علیهم السلام چگونه معرفی شده است؟ رابطه آن با عمل صالح، معرفت و نیت تقرب به خدا چیست؟

پاسخ اجمالی:

امام صادق (ع) فرموده است: « اِنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ اَفْضَلُ عِنْدَ اللهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِيْنٍ. - عملی که «دائمی» و از روی «یقین» باشد، هر چند اندک، نزد خداوند برتر است از عمل زیادی که از روی یقین نباشد » (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۷، ح ۳) ایمان، درختی است که ثمرش عمل است و عمل، ریشه‌ای است که از ایمان تغذیه می‌کند و ایمان بدون عمل، ادعایی دروغ و عمل بدون ایمان همچون کالبدی بی‌روح و تیری است که به هدف اصابت نمی‌کند، چرا که عمل ثمره ایمان است. ممکن است عملی، خودبه‌خود پسندیده و نیک باشد ولی با ایمان حقیقی، شناخت نیازها، امکانات، وسائل کار، جهت و ارزیابی موقعیت، صورت نپذیرد، در آن صورت عمل صالح نخواهد بود؛ چرا که با در نظر گرفتن اولویتهای، سودمند و به جا و مؤثر انجام نگرفته است. بنابراین از خصوصیات عمل صالح این است که: با ایمان و آگاهی و از روی شعور و ادراک، با ملاحظه رضای خدا و به قصد تقرب انجام گیرد،

متناسب، به جا، به موقع و در رابطه با نیازها و شرائط خاص زمانی و مکانی صورت پذیرد، و در حد قدرت و امکانات و اثر بخش باشد.

پاسخ تفصیلی:

بسیار به جاست که زندگانی قرآنی و عمل مطابق با آن را در سیره حضرت امام حسن بن علی علیهما السلام پیشوای دوم ره یافته گان و نخستین فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام جستجو کنیم. پیامبر علاقه قلبی خود را به امام حسن (ع) در قالب کلمات بسیار زیبایی ابراز می فرمود: «الْحَسَنُ فَإِنَّهُ ابْنِي وَوَلَدِي وَمَنِّي وَفَرُّهُ عَيْنِي وَضِيَاءُ قَلْبِي وَثَمَرَةُ فُؤَادِي وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي - حسن پسر و فرزند من است. او از من است و نور چشم من و روشنایی قلب من و میوه جان من است. او سید و آقای جوانان اهل بهشت است و حجت خدا بر امت می باشد. دستور او دستور من و سخنش سخن من است. کسی که از او پیروی کند، از من است و هر کس نافرمانی اش کند، از من نیست.» (بشارة المصطفی، عماد الدین طبری، ص ۱۹۹)

امام حسن علیه السلام هفت ساله بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله رحلت کرد. وقتی که احساس کرد جدش می خواهد برای همیشه از او جدا شود، به همراه برادر کوچکش امام حسین علیه السلام به کنار بستر پیامبر صلی الله علیه وآله آمد. رسول خدا صلی الله علیه وآله آن دو را به آغوش کشید، آنان به شدت گریه می کردند، تا اینکه پیامبر از حال رفت. امام علی علیه السلام خواست آن دو را از پیامبر صلی الله علیه وآله جدا کند، اما حضرت چشمانش را گشود و فرمود: «دَعَهُمَا يَنْمَتَعَانِ مِنِّي وَأَتَمَّتْ مِنْهُمَا فَسَنُصِيبُهُمَا بَعْدِي أَثَرَةً» [علی جان!] این دو را واگذار تا از من بهره گیرند و من نیز از آن دو بهره مند شوم، که پس از من به آن دو ناگواری خواهد رسید.» (مسند زید بن علی، ص ۴۰۴)

از ابن عباس نقل شده است: با حضرت رسول صلی الله علیه وآله به خانه فاطمه علیها السلام رفتیم، در زدید، حسن که کودکی بیش نبود و سیمایی پاکیزه و مرتب داشت از منزل بیرون آمد، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با چهره شاداب و شکفته او را در آغوش گرفت، ابراز محبت کرد، او را بوسید و سپس فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ - این پسر من آقا است.» (اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، ص ۲۱۱)

و این آقای چنان بود که خود امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْأَئِمَّةَ مِنَّا وَإِنَّ الْخِلَافَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا فِينَا وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَنَا أَهْلَهَا فِي كِتَابِهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ وَإِنَّ الْعِلْمَ فِينَا وَنَحْنُ أَهْلُهُ وَهُوَ عِنْدَنَا مَجْمُوعٌ كُلُّهُ بِحَدِّهِ وَهُوَ عِنْدَنَا مَكْتُوبٌ بِأَمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَطٌّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ - پیشوایان هدایتگر از ما [اهل بیت می باشند و خلافت، شایسته نیست مگر در خانواده ما، و خداوند در کتاب خود و سنت پیامبرش ما را اهل آن قرار داده است. حقیقت علم و دانش در نزد ماست و ما اهل آن هستیم و تمام رشته های دانش از همه جهات [از اصول و فروع] نزد ما جمع است؛ آن چنان که تا روز قیامت هیچ چیزی - حتی احکام تاوان خراش کوچک - حادث نمی شود، مگر اینکه در نزد ماست که با املاي رسول خدا صلی الله علیه وآله و دست خط مبارک علی علیه السلام نوشته شده است.» (احتجاج، طبرسی، احمد بن علی طبرسی، ص ۲۸۷)

پیمودن راه قرآن و عمل به آن لوازمی دارد که بر اساس فرمایشات امام مجتبی علیه السلام می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اولا انتخاب و یافتن همراهان و همنشینان شایسته، دلسوز، امین، صبور و مهربان: امام حسن علیه السلام در یکی از گفتارهایش به جناده ابن ابی امیه فرمود: «فَاصْحَبْ مَنْ إِذَا صَحِبْتَهُ زَانَكَ وَإِذَا خَدَمْتَهُ صَانَكَ وَإِذَا أَرَدْتَ مِنْهُ مَعُونَةً عَانَكَ وَإِنْ قُلْتَ صَدَقَ قَوْلَكَ وَإِنْ صَلَّيْتَ شَدَّ صَوْلَتَكَ وَإِنْ مَدَدْتَ يَدَكَ بِفَضْلِ

مَدَّهَا وَإِنْ بَدَتْ مِنْكَ ثُلْمَةٌ سَدَّهَا وَإِنْ رَأَى مِنْكَ حَسَنَةً عَدَّهَا وَإِنْ سَأَلْتَهُ أَعْطَاكَ وَإِنْ سَكَتَ عَنْهُ ابْتَدَأَكَ - با کسی دوستی کن که رفاقت او زینت و آرایش شخصیت تو بوده و پاسدار خدمات تو باشد. هرگاه از او یاری طلبیدی یاری ات کند و هرگاه سخنی گفتی، تو را تصدیق نماید. اگر به او نزدیک شدی تو را محترم شمرده و مقامت را گرامی دارد، اگر دست نیاز به سویی دراز کردی دستت را رد نکند، اگر مشکلی داشتی و گریه در کارت افتاد [تا حد توانش] آن را بگشاید، اگر از تو نیکی و خوبی بیند آن را فراموش نکند، اگر خواسته‌ای داشتی آن را برآورد، و هرگاه سکوت کردی، او با تو آغاز به سخن کند.» (مستدرک الوسائل، محدث نوری، ص ۲۱۱)

از لوازم دیگر مشی قرآنی کانون های اجتماعی، محافل مذهبی و نهادهای مدنی است. بخش زیادی از افکار و اندیشه‌های انسان در این گونه مجامع شکل می‌گیرد. اگر اعضای این مجموعه‌ها از عناصر سست ایمان و ناسالم باشند، تأثیر آنان منفی و مخرب خواهد بود. مولای متقیان در این باره به امام مجتبی علیه السلام نصیحت فرمود: «(إِيَّاكَ وَمَوَاطِنَ التُّهْمَةِ وَالْمَجْلِسَ الْمَظْنُونِ بِهِ السُّوءُ - [فرزندم!] از حضور در مجالس تهمت زنا و محافلی که مورد بدگمانی است بپرهیز. » (امالی شیخ مفید، مجلس ۲۶، حدیث ۱)

در مقابل امام حسن مجتبی علیه السلام به شرکت جستن در محافل مفید و سالم ترغیب نموده ، می‌فرماید: «مَنْ أَدَامَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانٍ: آيَةً مُحْكَمَةً وَآخَاً مُسْتَفَاداً وَعِلْماً مُسْتَطَرَفاً وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً وَكَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى الْهُدَى أَوْ تَرْذُوهُ عَنْ رَدَى وَتُرْكُ الذُّنُوبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً - کسی که پیوسته به مسجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از هشت بهره نصیبش خواهد شد : [به دست آوردن] نشانه‌ای روشن و محکم [در راه هدف] ؛ [آشنایی با] دوستان مورد استفاده؛ [استفاده از] دانش نو و اطلاعات تازه؛ [رسیدن به] رحمتی مورد انتظار [از طرف خداوند] ؛ [یاد گرفتن] سخنانی که او را هدایت کند؛ آموختن سخنانی که او را از لغزش ها و خطاها باز می‌دارد؛ خودداری از گناهان به جهت شرمساری؛ ترک معصیت به خاطر ترس از رسوایی.» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۸)

و نیز امام علیه السلام فرمود: «الْعَفْلَةُ تَرْكُكَ الْمَسْجِدَ وَطَاعَتَكَ الْمُفْسِدَ - یکی از نشانه‌های غفلت آن است که مسجد را ترک کنی و از افراد مفسد پیروی نمایی.» (العدد القویه، احمد بن علی طبرسی، ص ۵۳) از لوازم عمل به قرآن انس و آشنایی با آن است کتابی که هر خواننده‌ای را نسبت به فراخور استعدادش غنی می‌سازد و روح و جان تشنه او را سیراب می‌کند ؛ به تعبیر امام حسن مجتبی علیه السلام: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ - در این قرآن چراغ های نور [و هدایت] و شفای سینه هاست.» (کشف الغمّة، علی بن عیسیٰ اربلی، ج ۱، ص ۵۷۳)

همچنین آن حضرت در مورد برکات تلاوت قرآن با اعتقاد و حضور قلب، فرمودند: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةٌ إِمَّا مُعَجَّلَةً وَإِمَّا مُؤَجَّلَةً - هر کس قرآن را بخواند [نزد خداوند متعال] یک دعای مستجاب دارد، یا زود و یا دیر.» (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۷۹)

از دیگر لوازم مشی قرآنی مراقبت همیشگی در تصفیه عمل است ؛ تاریخ اسلام، شخصیت‌های فراوانی را معرفی می‌کند که روزگاری در جبهه حق‌پرستان و پیشتازان اسلام بودند ولی بعداً دچار «ارتداد» ، «انحراف» و «رجعت» شدند و حتی به دشمنان پیوستند. امام علی(ع) فرموده است: «تصفية العمل خيرٌ من العمل - تصفیه عمل، بهتر از عمل است» (بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۹۰)

پس، مطلق عمل، ارزش آفرین نیست. آنچه که به عمل، بها می‌دهد، عبارت است از: تقوا، ایمان، نیت پاک، اخلاص، یقین و... ؛ عمل بی‌یقین، تباه است، و عمل ریائی، پوک و پوچ و پوسته‌ای است بی‌مغز. بنابراین آنچه که آفات اعمال است و چون خوره، اعمال را تباه می‌سازد، عوامل بسیاری است که برخی

از آنها عبارت است از: عمل کردن برای دنیا، ریا و خود نمایی (شرک خفی و پنهان)، شهرت طلبی و ستایش دوستی، عجب و خودپسندی، تفاخر و بالیدن به عمل نیک، نفاق و دورویی میان قلب و زبان و عمل، زیاد انگاری عمل صالح، کار امروز را به فردا افکندن، شک و ناباوری.

از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی‌درد ندانی که چه دردی است

در سوگ کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (ع):

جناده می‌گه در شدت بیماری و قبل از شهادت امام مجتبی (ع) وارد منزلشون شدم دیدم طشت مقابله ..
 لخته های خون از دهان مبارکش داخل طشت می ریزه .. در چنین حال سختی رفتم جلو گفتم آقا منو
 موعظه کن .. فرمود: یا جُنَادَه! اِسْتَعِدَّ لِسَفَرِکَ .. ای جناده برا سفر آخرت آماده شو.. وَ حَصِّلْ زَادَکَ قَبْلَ
 حُلُولِ اَجَلِکَ .. قبل از اینکه مرگ فرا برسه توشه فراهم کن .. وَ اعْلَمْ اَنَّکَ تَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الْمَوْتَ
 يَطْلُبُکَ، تو در پی دنیایی و مرگ در قفای توست .. ای جناده ” وَ اعْلَمْ اَنَّکَ تَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الْمَوْتَ
 عِقَابٌ وَ فِي السُّبُهَاتِ عِتَابٌ .. یه وقت روی مبارکش به کبودی گرایش پیدا کرد .. اینجا برادرش وارد شد

...

کاش زینب بیاوری طشتی	جگرم خون شده است می سوزد
از نگاهت به طشت می خوانم	روضه های سر محرم را..
من غریبم ولی برادر جان	هیچ روزی شبیه روز تو نیست

اومد بین دیدگان برادر رو بوسه زد ، شروع کرد های های گریه کردن .. حسینم چرا گریه می کنی؟!
 عرضه داشت ابکی لِمَا يُصْنَعُ بِکَ .. فرمود از این منظره ای که می بینم گریه می کنم.. فرمود گریه نکن
 چیزی نشده .. الذی یُوتی الی سَمٍّ یَدُسُّ الی فَاَقْتُلْ به .. فقط به من سم دادند چیزی نشده .. و لکن لا یوم
 کیومک یا ابا عبدالله .. روزی مثل روز تو نیست .. حسینم گریه نکن .. حسینم! سی هزار نفر دورت رو
 می گیرن ، همه شون ادعا می کنند ما امت پیغمبریم .. حسینم! حرمتت رو می شکنن .. بار و بُنه ت رو
 به غارت می برن .. بعد فرمودند همه برات گریه می کنند حتی وُحُوشِ فی الْفَلَوَاتِ ... والحیتان فی
 الْبَحَارِ .. گرگای بیابونم برات گریه می کنند .. (من یه دونه شو بگم...) زینب از خیمه ها بیرون آمد دید
 عمر سعد ایستاده نگاه می کنه .. وَالْذُّمُوعُ یَسِيلُ عَلَی خَدَّیْهِ .. اشک چشمش روانه شده .. نامردا دارن برادر
 منو می کشن داری گریه می کنی ..؟! یه عده گرگ هم داشتن قتلگاه قطعه قطعه ش می کردن .. حسین

...

بیرون بریز این جگر پاره پاره را	بیرون بریز غصه آن گوشواره را
زینب رسیده بگو راه چاره را	خونابه های لب پرشراره را
با مقنعه دهان تو را پاک می کند	این خاک گیسوان تو را پاک می کند

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة